

پیشگفتار

در گذشته، بسیاری از مدرسان و متخصصان آموزش و پرورش و حتی روان‌شناسان یادگیری را کیفیتی می‌دانستند که در ذهن معلم انباشته و برای انتشار آماده است. در این میان، وظیفه معلم انتشار کیفیت، و مسئولیت دانش آموز بهره‌مندی از آن بود. بر این اساس، اگر دانش آموزی یاد نمی‌گرفت مقصر بود. بدین سان، این باور وجود داشت که موفقیت و شکست افراد عمدتاً ناشی از تفاوت در تواناییهای هوشی آنهاست. امروزه، بر اثر تلاشها و پژوهشهای بسیار در قلمرو سبکهای یادگیری و شناختی، این باور تغییر فراوان یافته است. مؤید این ادعا، نتایج پژوهشهای چند دهه اخیر است که نقش بارز سبکهای یادگیری و شناختی را در عملکرد تحصیلی و غیرتحصیلی افراد نشان می‌دهد.

امروزه تعداد متقاضیان تحصیل در مقاطع و زمینه‌های مختلف به‌هیچ وجه قابل مقایسه با گذشته نه‌چندان دور نیست. البته این تفاوت فقط از نظر تعداد نیست، بلکه امروز ناهمگونی بین افراد بسیار بیشتر از گذشته شده است. این امر اهمیت توجه به موضوع سبکهای یادگیری و شناختی را از هر زمان دیگری بیشتر می‌کند. با توجه به ناهمگونی موجود، برای بالا بردن کیفیت تدریس و افزایش یادگیری افراد یکی از کارهایی که می‌توان انجام داد توجه به سبکهای یادگیری و شناختی و تفکر ناهمگون دانش آموزان، دانشجویان و دیگر آموزش‌پذیران است.

به‌رغم توجه روزافزون بسیاری از کشورها به سبکهای یادگیری و شناختی و پژوهش در این قلمروها، دانش موجود و پژوهشهای انجام‌شده در این زمینه در ایران بسیار محدود است. هدف کتاب حاضر معرفی سبکهای یادگیری و شناختی، برخی از نظریه‌ها و الگوهای مربوط به این سبکها و نیز برخی از ابزارهای پژوهش در این

زمینه است. به عبارت دیگر، منظور آشنا ساختن دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان با گستره‌ای از نظریه‌ها و آزمونهای سبکهای یادگیری و شناختی است.

بر این اساس، کتاب حاضر چهار فصل دارد: فصل اول با عنوان «مقدمه‌ای بر سبکهای یادگیری و شناختی» به خاستگاه سبکهای یادگیری و شناختی و تعاریف آنها اختصاص دارد. در فصل دوم، برخی از تلاشهایی که برای «نظم‌بخشی به نظریه‌ها و مدل‌های سبکهای یادگیری و شناختی» صورت گرفته، بیان می‌شود. در فصل سوم نیز برخی از «نظریه‌ها و مدل‌های سبکهای یادگیری و شناختی» ارائه و پاره‌ای از پژوهشهای انجام گرفته بر اساس این نظریه‌ها و سبکها به اختصار معرفی می‌شود. در فصل چهارم کتاب با عنوان «سنجش و اندازه‌گیری سبکهای یادگیری و شناختی» برخی از پرستفاده‌ترین ابزارهای مطالعه سبکهای یادگیری و شناختی معرفی می‌شود.

در پایان لازم می‌دانیم از راهنمایهای ارزنده سرکار خانم دکتر دادستان، مدیر محترم گروه روان‌شناسی سازمان سمت، و همچنین از زحمات سرکار خانم زهرا گودرزی، کارشناس پژوهشی این سازمان در گروه روان‌شناسی و زحمات آقای مجید صاریان که ویرایش کتاب حاضر را بر عهده داشته‌اند، و همه افرادی که مستقیم یا غیرمستقیم در آماده‌سازی این کتاب نقش داشته‌اند قدردانی کنیم. نگارندگان خود آگاه‌اند که این کتاب کاستیهایی دارد؛ امید است نظرهای استادان صاحب‌نظر و اهل فن و دانشجویان عزیز و علاقه‌مند راهنمای رفع این نقایص باشد.

سوزان امامی پور - حسن شمس اسفندآباد